

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران سال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۹۴، ۹۵-۱۲۶

برابری و عدالت جنسیتی و رفتارهای باروری در شهر اصفهان

مه‌ری شمس قهفرخی^۱

چکیده

با توجه به افزایش مدل خانواده‌هایی که هم مرد و هم زن، هر دوشاغل هستند، ماهیت جنسیتی رابطه بین اشتغال و پرورش فرزند، یکی از مسائل مهم برای رفتار فرزندآوری شده است. هدف از این مقاله، بررسی تفاوت‌های باروری، بر حسب برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی می‌باشد. و همچنین، پاسخ به این پرسش، که آیا برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی، برای باروری یک مسئله است؟ داده‌ها از یک پیمایش گذشته‌نگر از تاریخچه اشتغال و باروری که شامل ۵۵۲ نمونه از زنان ۴۰-۲۰ ساله شهر اصفهان می‌شود، اخذ شده است. این مقاله برای برآورد اثر برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی روی احتمال و الگوی باروری، مدل تحلیل بقا زمان گسسته را به کار برده است. نتایج نشان داد، که برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری، احتمال رسیدن به فرزند اول را در فاصله طولانی‌تری و احتمال رسیدن به فرزند دوم را در فاصله کوتاه‌تری بالا می‌برد، اما عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، احتمال رسیدن به فرزند اول و دوم را در فاصله طولانی‌تری بالا می‌برد. میزان باروری جزئی نشان داد که شاغلان با برابری جنسیتی متعادل، نسبت به زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل و زنان شاغل راضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، نسبت به زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، فرزند بیشتری به دنیا می‌آورند.

واژگان کلیدی: باروری، برابری جنسیتی، عدالت جنسیتی، اشتغال زنان، تحلیل بقا زمان گسسته

^۱ استادیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، mehri_shams2001@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

باروری یکی از مهمترین مؤلفه‌های تحولات جمعیتی هر کشور است و از این رو، سیاست‌های جمعیتی در دنیا، به طور عمده حول محور کاهش و یا افزایش باروری اعمال می‌گردد. سرعت و شتاب کاهش باروری ایران در چند دهه اخیر، بیش از آنچه انتظار می‌رفته، بوده است و این کاهش باروری، پدیده‌ای فراگیر در تمامی استان‌ها و مناطق شهری و روستایی ایران بوده است. میزان باروری کل بین سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۹ از ۶/۵ به ۲/۲ فرزند برای هر زن کاهش یافت و تا سال ۱۳۸۵، این میزان به ۱/۹ فرزند برای هر زن رسید، که کاهش سرعت تغییرات فرزندآوری در دهه ۱۳۸۰ را نشان می‌دهد (عباسی شوازی و مک‌دونالد^۱، ۲۰۰۶) و در ادامه میزان باروری سال ۱۳۹۰ بیانگر شیب بسیار ملایم کاهش باروری می‌باشد، به نحوی که این میزان به ۱/۸ فرزند در این سال رسیده است (عباسی شوازی و حسینی چاوشی، ۱۳۹۱).

یکی از موضوعات مهمی که امروزه اکثر کشورها و از جمله کشور ایران با آن مواجه می‌باشد، کاهش باروری است، که عوامل متعددی در این مهم دخیل هستند. یکی از آنها، برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور است، به عبارت دیگر، اشتغال به کار زنان در بیرون از خانه، است که شرایط را برای فرزندآوری دشوار می‌سازد، لذا نمی‌توان با توجه به محدودیت‌هایی که اشتغال برای زنان ایجاد می‌نماید و بدون فراهم نمودن شرایط لازم، از آنها انتظار فرزندآوری بیشتری داشت. بدین معنی که با ایجاد شرایط مناسب، زنان به آسانی بتوانند در کنار انجام وظایف مادری و خانوادگی در زمینه‌های متفاوت شغلی نیز موفق ظاهر شوند. این مقاله بر اساس دیدگاه‌های نظری پیترو مک‌دونالد، فرض می‌کند که برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور، نه تنها باعث کاهش باروری نمی‌شود، بلکه باعث افزایش آن نیز می‌گردد.

این مقاله دنبال این پرسش است که، آیا برابری جنسیتی برای باروری یک مسئله است؟ این سؤال باعث بحث‌های بسیاری بین جمعیت‌شناسان شده است که به دنبال تفاوت‌های باروری هستند (پور و همکاران^۲، ۲۰۱۰، وستف و هیگینز^۳، ۲۰۰۹، گلدشایدرو همکاران^۴، ۲۰۱۳، تولمون^۵، ۲۰۱۱).

1 McDonald

2 Puur et al

3 Westoff and Higgins

4 Goldscheider et al.

5 Toulemon

فیلیپو^۱، ۲۰۱۱، آلا^۲، ۲۰۱۱، نایر، ۲۰۱۱). باروری پایین (باروری زیر ۱/۵) و قصد فرزندآوری پایین، نتیجه نابرابری جنسیتی در حوزه‌هایی از زندگی مانند اشتغال، کارهای خانه‌داری و بچه‌داری که برای فرزندآوری در جوامع امروز ضروری تشخیص داده شده‌اند، می‌باشد.

نکته حائز اهمیت در مورد ضرورت انجام این تحقیق، روشن شدن چگونگی ارتباط برابری و عدالت جنسیتی زنان شاغل با باروری، به منظور تصمیم‌گیری درست و منطقی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران کشور، برای جهت‌دهی به میزان رشد جمعیت و اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل موالید است. بدین ترتیب، این مقاله با هدف پاسخ به این پرسش نگاشته شده است که، میزان باروری زنان اصفهان تا چه اندازه تحت تأثیر برابری و عدالت جنسیتی آنها قرار می‌گیرد؟ تعدادی از مطالعات مرتبط با اروپای غربی، اهمیت برابری جنسیتی در باروری را نشان داده‌اند، اما اینکه برابری جنسیتی، چه مقدار باعث تغییر باروری می‌شود، جای بحث است. این مقاله، به بررسی تأثیر برابری و عدالت جنسیتی زنان شاغل بر باروری می‌پردازد، بدین منظور، نسبت پیشرفت موالید اول و دوم، میانگین فاصله ازدواج تا موالید اول و میانگین فاصله موالید اول تا موالید دوم، میزان باروری جزئی، (کنترل نشده و کنترل شده) بر حسب برابری و عدالت جنسیتی زنان شاغل، با کنترل سایر عوامل مؤثر بر باروری محاسبه گردیده است. مطالعه رتبه موالید، یک تصویر کامل‌تری از چگونگی ارتباط برابری و عدالت جنسیتی و سطح باروری ارائه می‌دهد. در این راستا، از منابع اطلاعاتی معتبر و تجزیه و تحلیل آمارهای موجود و همچنین گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری در زمینه برابری جنسیتی و باروری در دیگر کشورها انجام گرفته است، که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. اما در ایران مطالعات بسیار کمی در رابطه با موضوع برابری جنسیتی و باروری به صورت اختصاصی انجام شده است.

امروزه، دانش رو به پیشرفت نشان می‌دهد که برابری جنسیتی (برای مثال، تساوی زنان و مردان در زندگی خصوصی و عمومی) یک نقش کلیدی در توضیح تفاوت‌های باروری کشورهای

1 Philipov

2 Ola h

توسعه یافته بازی می‌کند. برای مثال، آلاه^۱ (۲۰۰۳) در یک مطالعه مقایسه‌ای بررسی کرد که چگونه دادن مرخصی به پدر بعد از بدنیا آمده فرزند اول و تقسیم کارهای بچه‌داری و خانه‌داری، در دو کشور سوئد و مجارستان در دنیا آوردن فرزند دوم تأثیرگذار است، و دریافت که تولد فرزند دوم در خانواده‌هایی که سهم برابری در کارهای خانه‌داری و بچه‌داری دارند، بیشتر است، اما تحصیلات و درآمد تأثیر کمی بر به دنیا آوردن فرزند دوم داشتند.

تازی- پیرو، بیچلبر و کوجن^۲ (۲۰۰۴) آزمون کردند که آیا تقسیم نابرابر وظایف خانه‌داری و بچه‌داری بر خواستن فرزند اثر منفی دارد یا نه و مشاهده شد، خانواده‌هایی که تقسیم برابری در وظایف دارند، نسبت به خانوارهایی که الگوی خانواده سنتی دارند، قصد فرزندآوری بیشتری دارند. این با کار تور و شورت^۳ (۲۰۰۴) که دریافتند، زوج‌هایی که برابری جنسیتی بالا و تقسیم سنتی کارهای منزل دارند، با احتمال بیشتری به رتبه موالید دوم می‌رسند، متفاوت است، بنابراین یک رابطه U شکل را منعکس می‌کند.

میلز و همکاران (۲۰۰۸) در تحلیل ایتالیا و هلند، نشان دادند که تقسیم نابرابر کارهای منزل، اثر منفی روی قصد باروری زنان داشته، مخصوصاً هنگامیکه آنها از بار سنگین ساعت کاری و پرورش فرزندان خسته شده باشند (به ویژه برای زنان شاغل در ایتالیا).

کوک^۴ (۲۰۰۹) هنگام مقایسه ایتالیا و اسپانیا در طول دهه ۱۹۹۰ بوسیله پانل خانوار اروپا، نتیجه گرفت که افزایش برابری در اشتغال زنان نه تنها درجه برابری درون خانه را افزایش می‌دهد، بلکه احتمال داشتن فرزند دوم را افزایش می‌دهد. بویژه دسترسی به مراقبت‌های خصوصی فرزند، به طور معناداری شانس فرزندآوری را در اسپانیا افزایش می‌دهد، در حالیکه میزان بالاتر مراقبت فرزند توسط پدران همین اثر را در ایتالیا، مخصوصاً در بین زنان شاغل داشته است.

میرسکایلا، کوهلر و بیلاری^۵ (۲۰۱۱) معتقدند، افزایش مشاهده شده اخیر در باروری در کشورهای توسعه یافته می‌تواند بوسیله تفاوت کشورها در برابری جنسیتی توضیح داده شود. به عبارت دیگر، باروری در کشورهای توسعه یافته‌ای که برابری جنسیتی پایین‌تری دارند، کمتر است.

1 Olah

2 Tazi-Preve, Bichlbauer, and Goujon

3 Torr and Short

4 Cooke

5 Myrskylä, Kohler, and Billari

قدرتی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که با کنترل متغیرهای اجتماعی اقتصادی، متغیر برابری جنسیتی همچنان اثرگذاری خود را حفظ می‌کند و یافته‌ها مؤید نظریه برابری جنسیتی مک‌دونالد است که معتقد است زنان که در جامعه امروزی تحت تأثیر عقاید جدید برابری خواهانه در نهادهای فردمحور هستند، در صورتی که در نهاد خانواده، برابری جنسیتی را تجربه نکنند، برای رسیدن به اهداف خود، از باروری‌شان می‌کاهند.

حسینی و طاووسی (۱۳۹۳) با مطالعه کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدند، که برای دستیابی به تمایلات بالاتر در زنان شاغل، لازم است در کنار افزایش مشارکت زنان در نهادهای فرد محور، مشارکت مردان در نهاد خانواده نیز، همگام با آن انجام پذیرد.

افشاری (۱۳۹۴) به بررسی تأثیرات متقابل باروری و برابری جنسیتی در ایران با استفاده از داده‌های پانل استانی در دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۱ پرداخته است. برای این منظور، دو مدل باروری و برابری جنسیتی برآورد شده است. مدل اول نشان می‌دهد که با افزایش برابری جنسیتی (در کل و در بازار کار) باروری از یک الگوی U شکل (وارونه) تبعیت می‌کند، یعنی ابتدا افزایش برابری جنسیتی، باروری را کاهش می‌دهد، ولی پس از رسیدن به نقطه عطف باروری، افزایش می‌یابد. مدل دوم نمایانگر یک رابطه U شکل بین باروری و برابری جنسیتی (در کل و در تحصیلات) است. به عبارت دیگر، افزایش باروری، ابتدا برابری جنسیتی را افزایش می‌دهد، سپس پس از رسیدن به نقطه‌ای، افزایش برابری جنسیتی را به همراه دارد و نتیجه گرفتند که در ایران انتقال از باروری بالا به زیر سطح جایگزینی، همراه با برابری سریع در نهادهای فردگرا (آموزش) ولی برابری کمتر در دیگر نهادهای فردگرا یعنی مشارکت در بازار کار، برابری سریع در نهاد خانواده و برابری کم در نهادهای خانواده‌گرا بوده است. یک توضیح ممکن برای این مسئله این است که این مطالعه با توجه به کوتاه بودن پانل، نمی‌تواند در سطح کلان صورت گیرد، به عبارتی در یک زمان کوتاه به نظر نمی‌رسد که تغییرات آنچنانی در جهت معنادار شدن رابطه در دو شاخص باروری و برابری جنسیتی صورت گرفته باشد و هیچ یک از متغیرهای تأثیرگذار بر باروری و برابری جنسیتی کنترل نشده است.

شواهد تجربی نشان داده است برابری جنسیتی کمتر، لزوماً باروری پایین را به همراه ندارد و برابری جنسیتی بیشتر لزوماً باعث افزایش باروری نمی‌شود.

ملاحظات نظری

نظریات و تئوریهای مختلفی برای تبیین رفتار باروری افراد و خانوارها ارائه شده است. در مدل اقتصاد خرد باروری بر اهمیت ارزش وقت زنان به عنوان عاملی که شمار فرزندان دلخواه او و همسرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأکید شده است. بکر (۱۹۸۱) در کتاب خود، اقتصاد خانوار، از طریق تحلیل نقش مشارکت نیروی کار زنان به بسط یک مدل تئوریک برای درک رابطه بین باروری و اقتصاد پرداخت. این رویکرد بر هزینه فرصت زمان مادران تأکید می‌کند و پیش‌بینی می‌کند که افزایش دستمزد زنان، تأثیر منفی بر تقاضا برای کودکان دارد (گروگان^۱، ۲۰۰۶). تأکید اقتصاددانان نئوکلاسیک خانوار بر ارزش وقت مادران و رابطه‌ی آن با هزینه‌های کودکان، این دیدگاه را تقویت کرد که موقعیت اجتماعی و استقلال اقتصادی زنان احتمالاً یک عامل مداخله‌گر مهم بین نوسازی اقتصادی و باروری است (کله‌لند و ویلسون^۲، ۱۹۸۷: ۷).

خطر و فرصت، بعدی دیگر به نظریه تقاضا بخشید. فرض نظریه‌ی تقاضا این است که مردم شناخت یا دانش خوبی از هزینه‌ها و منافع داشتن فرزند دارند. نظریه‌ی اجتناب از خطر از این نقطه نظر برخاسته است که هزینه‌ها و منافع در واقع هزینه‌ها و منافع آینده هستند و بر این اساس با اطمینان نخواهیم دانست چه هزینه‌ها و منافع‌های خواهیم داشت. در داشتن یک بچه مردم تصمیم می‌گیرند که دوره‌ی زندگی آینده‌شان را تغییر دهند و از این رو تصمیم آنها وابسته به جهت‌گیری آینده آنها خواهد بود. اگر این درک وجود دارد که آینده اقتصادی، اجتماعی و شخصی نامطمئن است، تصمیم‌گیرندگان ممکن است در جبهه امنیت دچار خطا شوند، چرا که در پی دفع خطر، یا به دنبال فرصتی که می‌خواهند، می‌باشند (مک‌دونالد^۳، ۱۹۹۶).

نظریه اجتناب از خطر از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار بکر ریشه می‌گیرد، به زعم بکر (۱۹۶۰) افراد در تصمیم‌گیری برای اینکه فرزند داشته باشند یا نه، سبک سنگین می‌کنند که آیا منافع داشتن یک فرزند (دیگر)، بیشتر از هزینه‌های آن است یا خیر. نظریه اجتناب از خطر فرض می‌کند که افراد در وضعیت نامطمئن اقتصادی، به جای سرمایه‌گذاری بر

1 Grogan

2 Cleland and Wilson

3 McDonald

روی داشتن فرزند (دیگر) که با ناامنی بیشتر همراه است سرمایه‌گذاری بر روی امنیت اقتصادی (آموزش، دستیابی به بازار کار، پس‌انداز) را در فکر می‌پرورانند (فیوری^۱ و همکاران، ۲۰۱۳).

علاقه به شناخت ارتباط پیچیده بین باروری و توانمندسازی زنان از بحث‌های داغ در برابری جنسیتی و بهداشت باروری در کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه که در سال ۱۹۹۴ در قاهره برگزار شد، آغاز شد. که در این بخش دو دیدگاه نظری عمده که به تشریح رابطه برابری جنسیتی و باروری پرداخته‌اند، بحث می‌شود. در حالی که در دیدگاه نظری اول گفته می‌شود، برابری جنسیتی با باروری رابطه منفی و معکوس دارد، دیدگاه نظری دوم استدلال می‌کند که برابری جنسیتی با باروری رابطه مثبت و مستقیم دارد.

رویکرد توانمندسازی زنان^۲: توانمندسازی فرایندی است که افراد جامعه از راه آن، از نیازها و خواسته‌های خود آگاه می‌شوند و نوعی اعتماد به نفس و خوداتکایی را برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورند و بر اساس آن از توانایی لازم برای تحقق هدفهای خود برخوردار می‌گردند. به عبارت دیگر، مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب بر اساس خواسته‌های خود را بدهد (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۵۴).

لانگه^۳ یکی از نظریه‌پردازان در امور زنان، معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد، طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می‌شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می‌گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد و حتی محصول و دسترنج خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آنها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشات گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به

1 Fiori

2 Women's Empowerment

3 Longwe

خود شرکت می‌کنند. مشارکت آنها باید با تعداد و شمار آنها در جامعه متناسب باشد. در نهایت برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (لانگه، ۱۳۷۲: ۳۲-۱۸).
مالهاترا و همکاران توانمندسازی را یک فرایند می‌دانند، یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می‌دانند. این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می‌شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیتهای گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیم‌گیریهای اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در بر می‌گیرد (مالهاترا و همکاران، ۲۰۰۲).

در رویکرد توانمندسازی زنان، بحث می‌شود که پس از انقلاب صنعتی و جدایی محل کار از محل زندگی، زنان تبدیل به بانوی مصرف‌کننده شدند و مردان به محل کار در بیرون از خانه رفته و در کار مزدی اشتغال یافتند و برای زنان غذا و سرپناه فراهم آوردند. بدین ترتیب به کار زنان در خانه دستمزدی پرداخت نشد که این امر منجر به کاستن از قدرت و منزلت آنان در خانواده شده و آنان را به افراد وابسته به همسران خود تبدیل نمود. پس از جنگ جهانی دوم و با حضور در بازار کار مزدی و افزایش تحصیلات زنان، بر منزلت آنان در درون خانواده نیز افزوده شد و قدرت چانه‌زنی و استقلال زنان در تصمیم‌سازی در درون خانواده افزایش یافت که به نوبه خود باروری را تحت تأثیر قرار داده است. هنگامی که زنان استقلال بیشتری در تصمیم‌سازی در خانواده دارند، همواره از جمله کسانی هستند که در تصمیم‌گیری درباره باروری و فرزندآوری بسیار فعال عمل می‌کنند. زنان با منزلت خانوادگی بالاتر، ارتباطات بهتری با شوهرانشان در خصوص فاصله‌گذاری مولید و تعداد آنها برقرار می‌کنند و آزادی بیشتری هنگام بحث راجع به چگونگی استفاده از وسایل پیشگیری با همسرانشان دارند. در مقابل در خانواده‌هایی که زنان قدرت چانه‌زنی چندانی ندارند، نوعی قشریندی جنسیتی^۱ حاکم است، عرصه خانه و کار، تحت تسلط مردان است و بحث آزاد در خصوص وسایل پیشگیری با شوهر با مانع روبرو می‌شود. مطالعه ماسون و اسمیت^۲ در کشورهای تایلند، پاکستان، هند، مالزی و

1 Gender Stratification

2 Mason and Smit

فیلیپین، نشان داد که شیوع استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری در خانواده‌هایی که در آنها قشر بندی جنسیتی حاکم است کمتر می‌باشد (ماسون و اسمیت، ۲۰۰۰). در مجموع می‌توان گفت، رویکرد توانمندسازی زنان، افزایش برابری جنسیتی از طریق افزایش تحصیلات و مشارکت نیروی کار را علت کاهش باروری می‌داند.

تئوری هماهنگی برابری جنسیتی بین نهادهای فرد محور^۱ و خانواده محور^۲: در حالی که در تئوری‌های توانمندسازی زنان استدلال می‌شود که با افزایش تحصیلات و مشارکت نیروی کار زنان و متعاقب آن افزایش برابری جنسیتی، باروری کاهش می‌یابد، برخی دیدگاه‌های نظری، استدلال می‌کنند که برابری جنسیتی، نه تنها باعث کاهش باروری نمی‌شود، بلکه باعث افزایش آن نیز می‌گردد. از جمله این دیدگاه‌های نظری می‌توان به تئوری ناهماهنگی برابری جنسیتی بین نهادهای فرد محور و خانواده محور پیتر مک دونالد اشاره نمود.

در این دیدگاه نظری، استدلال می‌شود که تئوری‌های توانمندسازی زنان در بکارگیری مفهوم برابری جنسیتی جامعیت لازم را ندارد. در این تئوری‌ها به برابری جنسیتی در عرصه کلان و ساختار پرداخته شده و برابری جنسیتی در عرصه خصوصی خانواده، مد نظر قرار نگرفته است. این در حالی است که روابط درون خانواده و تقسیم کار در آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیمات باروری دارد. بر این اساس، مک‌دونالد (۲۰۰۰) خاطر نشان می‌سازد که برابری جنسیتی به دو شکل قابل تقسیم است: ۱- برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور و ۲- برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور.

برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور، در واقع بخشی از برابری جنسیتی است که توسط تئوری‌های توانمندسازی زنان و هزینه اقتصادی فرزندان بر آن تأکید می‌شود. برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور، بخشی از برابری جنسیتی است که تئوری‌های مذکور بدان نپرداخته‌اند. چنانچه زنان از برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور مانند تحصیلات و مشارکت نیروی کار برخوردار باشند، در حالی که تغییرات در برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور بدون تغییر باقی بماند، تضاد و ناهماهنگی بین برابری جنسیتی در این دو سطح بوجود می‌آید، که در نتیجه آن زنان ترجیح می‌دهند از ایفای نقش فرزندآوری اجتناب کرده و فرزندى بدنیا نیاورند.

1 Individual-Oriented Institutions
2 Family-Oriented Institutions

مک‌دونالد بر همین اساس، استدلال می‌کند که، برای اجتناب از باروری خیلی پایین، سطوح بالاتر برابری جنسیتی در درون نهادهای خانواده محور ضروری است. بنابراین، از یک طرف در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، سطوح بالاتر برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور، منجر به باروری پایین‌تر می‌شود و از طرف دیگر، در کشورهای بیشتر توسعه یافته، جهت‌گیری مجدد نهادهای خانواده محور، به سمت سطوح بالاتر برابری جنسیتی از باروری خیلی پایین جلوگیری می‌کند (مک‌دونالد، ۲۰۰۰).

به این ترتیب، می‌توان گفت بحث اساسی این تئوری ناهماهنگی بین نهادها در زمینه برابری جنسیتی است، بدین معنی که عدم هماهنگی و ناسازگاری میان سطح بالای برابری جنسیتی در نهادهای فردمحور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهادهای خانواده محور، موجب شده است تا زنان نتوانند ترکیبی از کار و بچه را وارد زندگی کنند. از این رو، زنان ناگزیرند زاد و ولد خود را کنترل کنند و این موجب شده است، تا باروری در کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی به زیر سطح جایگزینی کاهش یابد.

با مرور منابع نظری و تجربی به این نتیجه رسیدیم که نظریه هماهنگی برابری جنسیتی بین نهادهای فرد محور و خانواده محور پیتر مک‌دونالد، چارچوب مناسبی برای بررسی اثر برابری جنسیتی روی باروری می‌باشد. لذا بر اساس این نظریه، این فرضیه مطرح می‌گردد که: زنانی که در منزل برابری و عدالت جنسیتی بیشتری داشته باشند، تجربه فرزندآوری بیشتری دارند.

روش شناسی

این تحقیق بصورت مقطعی و گذشته‌نگر، در یک دوره پنج ساله انجام گرفته است، روش تحقیق کمی و ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخت است، که از نظر اعتبار و روایی مورد آزمون قرار گرفته است و به خاطر کنترل رابطه دو طرفه بین اشتغال زنان و باروری، در دوره پنج ساله مطالعه باروری، وضعیت اشتغال زنان در یک سال قبل (زمان $t-1$) از تولد فرزند (زمان t) در نظر گرفته شده است، یک سال تأخیر بخاطر احتساب دوران بارداری زن و کنترل رابطه دو طرفه بین اشتغال و باروری در نظر گرفته شده است. همچنین این تحقیق یک روش چند متغیره برای ارزیابی اثر مقدار ساعت کاری بر باروری را به کار می‌برد.

واحد نمونه‌گیری در این بررسی، خانوارهای شهر اصفهان می‌باشد. که برای تعیین حجم نمونه، پس از پردازش و پالایش داده‌های نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ شهر اصفهان، بر مبنای تعداد جمعیت زنان ازدواج کرده ۲۰-۴۰ ساله در سال ۱۳۹۳، تعداد نمونه برابر با ۵۳۴ خانوار محاسبه گردید.

روش آماری مورد استفاده در این تحقیق، شامل مدل‌های رگرسیونی بقا با بازه‌های زمانی مجزا^۱ می‌باشد. این مدل‌ها با استفاده از دستور `cloglog` در استاتا^۲ برآورد گردیده است. در فرمول این مدل رگرسیونی، می‌توان ارزش‌های یک (وقوع واقعه) و ارزش‌های صفر (عدم وقوع واقعه) برای متغیرهای مورد نظر را اختصاص داد (ردفورد و همکاران^۳، ۲۰۱۰). سپس به محاسبه احتمال باروری کنترل نشده و کنترل شده پرداخته شده است و در ادامه جداول عمر به تفکیک طبقه‌بندی‌های هر یک از این متغیرها نیز ایجاد شده است. برای هر طبقه‌بندی، دو نوع جدول عمر ساخته شده است: الف) کنترل نشده، که مدل رگرسیونی زیربنای آن فقط شامل متغیر مورد مطالعه می‌باشد؛ ب) کنترل شده، که مدل رگرسیونی علاوه بر متغیر مورد مطالعه شامل سایر متغیرها (متغیرهای کنترل) نیز می‌باشد.

در این بررسی، متغیر وابسته، باروری است و منظور از باروری، قابلیت واقعی فرزندآوری زنان است که در مقابل بارآوری یا قابلیت نظری فرزندآوری یا توان فیزیکی زاد و ولد قرار می‌گیرد (میرزایی، کوششی و ناصری، ۱۳۷۵). در این بررسی، باروری بر مبنای باروری مقطعی زنان در پنج سال قبل از پیمایش در قالب سؤال در مورد سال و ماه تولد زن، سال و ماه تولد فرزندان، که زن تاکنون به دنیا آورده عملیاتی شده است. در نهایت، این متغیر به صورت صفر و یک، کدگذاری شده است. شاخص‌های باروری شامل نسبت پیشرفت موالید اول و نسبت پیشرفت موالید دوم، میانگین فاصله ازدواج تا موالید اول و میانگین فاصله موالید اول تا موالید دوم و میزان باروری جزئی است.^۴

1 Parity Progression Discrete-Time Survival Models

2 STATA

3 Retherford et al

۴ تفاوت آماری شاخص‌های تجمعی محاسبه نشده است.

انتقال از ازدواج به فرزند اول: به منظور برازش مدل‌های رگرسیونی برای دوره انتقالی ازدواج به فرزند اول، ابتدا باید داده‌ها آماده شوند. بنابراین تعداد زنان حاضر در داده‌های دوره انتقالی ازدواج به فرزند اول ($M-1$)، با بقیه انتقال‌ها متفاوت است. برای برازش مدل رگرسیونی دوره انتقالی $M-1$ به دلیل اینکه در این پژوهش تمامی زنان ازدواج کرده هستند، لذا تمامی زنان در نمونه حضور دارند، بعد از آن داده‌ها باید برای سازگاری با مدل رگرسیونی، به داده‌های فردی-زمانی تبدیل شوند. بدین معنی که به جای اینکه هر زن فقط یک بار در داده‌ها حضور داشته باشند، تعداد موردهای هر زن در داده‌ها به تعداد واحدهای زمانی حضور زن در هر دوره انتقالی گسترده می‌شود.

سپس با استفاده از فرمول زیر به محاسبه احتمال بدنیا آوردن فرزند اول کنترل نشده و کنترل شده پرداخته شده است.

احتمال بدنیا آوردن فرزند اول کنترل نشده به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_1 = 1 - \exp\{-\exp[b_0 + ((b_1 \text{ year}) + (b_2 \text{ year}^2) + (b_3 X_1) + (b_4 X_1 \times \text{year}) + (b_5 X_1 \times \text{year}^2))\}$$

و احتمال بدنیا آوردن فرزند اول کنترل شده به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_1 = 1 - \exp\{-\exp[b_0 + ((b_1 \text{ year}) + (b_2 \text{ year}^2) + (b_3 X_1) + (b_4 X_1 \times \text{year}) + (b_5 X_1 \times \text{year}^2) + (b_6 X_2 + b_7 X_3 + b_8 X_4 + b_9 X_5 + b_{10} X_6 + b_{11} X_7 + b_{12} X_8 + b_{13} X_9 + b_{14} X_{10} + b_{15} X_{11} + b_{16} X_{12}))\}$$

اجزاء این فرمول عبارتند از:

P_1 : احتمال باروری برای فرزند اول

b_0 : عرض از مبدأ

X_1 : متغیر مستقل

X_2, \dots, X_{12} : متغیرهای کنترل

b_1, \dots, b_{16} : ضرایب متغیرهای مستقل و کنترل

year: سال

year²: مربع سال

$X_1 \times \text{year}$: تعامل سال با متغیر مستقل

$X_1 \times \text{year}^2$: تعامل مربع سال با متغیر مستقل

بعد از برآورد ارزشهای P_{it} می‌توان جداول عمر باروری را ساخت. جداول عمر یک نسل فرضی از زنان را، از سن ۲۰ سالگی، با گذراندن از احتمالات محاسبه شده از داده‌های واقعی، تا سن ۴۰ سالگی دنبال می‌کند. شاخص‌های باروری محاسبه شده از این جداول عمر به جمعیت واقعی دلالت دارند. جداول عمر نیز به تفکیک طبقه‌بندی‌های هر یک از متغیرها (برابری و عدالت جنسیتی) نیز ایجاد خواهد شد. برای هر طبقه‌بندی دو نوع جدول عمر ساخته خواهد شد: الف) کنترل نشده، که مدل رگرسیونی زیر بنای آن فقط شامل متغیر مورد مطالعه می‌باشد؛ ب) کنترل شده، که مدل رگرسیونی علاوه بر متغیر مورد مطالعه شامل سایر متغیرها نیز می‌باشد.

این جداول عمر چهار کمیت دارند: P_t نشان‌دهنده احتمال شرطی مخاطره‌ها (برای مثال، فرزند اول یا فرزند بعدی) بین زمان t و $t+1$ است، S_t نشان‌دهنده تعداد بازمانده‌ها در زمان t است (هنوز فرزند بعدی را تجربه نکرده‌اند)، F_t نشان‌دهنده تعداد موالید بعدی بین زمان 0 و t است و f_t نشان‌دهنده تعداد مخاطره بین زمان t و $t+1$ است.

فرمول‌های محاسباتی در جدول عمر برای انتقالهای $M-1$ عبارت است از:

$$\begin{aligned} (1) \quad & S_0 = 1000 \\ (2) \quad & S_t = S_{t-1}(1 - P_{t-1}) \quad \text{for } t > 0 \\ (3) \quad & F_t = 1000 - S_t \\ (4) \quad & f_t = S_t P_t \end{aligned}$$

احتمال غیرشرطی مخاطره بر حسب زمان t ، با تقسیم F_t به ۱۰۰۰ بدست می‌آید. احتمال غیرشرطی مخاطره در پایان جدول عمر، نسبت پیشرفت موالید (PPR) برای انتقال از ازدواج به فرزند اول است. در مورد انتقال $M-1$ ، فاصله زمانی جدول عمر ۱۰ سال (از ۰ تا ۹) می‌باشد و فرمول نسبت پیشرفت موالید عبارت است از:

$$(5) \quad PPR = F_{10}/1000$$

فرمول محاسبه میانگین فاصله بسته بین ازدواج تا فرزند اول عبارت است از:

$$(6) \quad \text{Mean age at first birth} = \sum [(f_t/F_{10})(t)]$$

انتقال از فرزند اول به فرزند دوم: به منظور برازش مدل‌های رگرسیونی برای دوره انتقالی فرزند اول به فرزند دوم، داده‌ها باید آماده شوند. تعداد زنان حاضر در داده‌های دوره انتقالی فرزند اول به فرزند دوم (۱-۲)، با انتقال از ازدواج به فرزند اول نیز متفاوت است. برای برازش

مدل رگرسیونی این دوره انتقالی، فقط زنانی که حداقل یک فرزند دارند می‌توانند وارد داده‌ها شوند، یعنی زنان بدون فرزند از داده‌ها حذف می‌گردند. حتی اگر این زنان صاحب فرزند دوم نشوند، تا ۱۰ سال بعد از تولد فرزند اول در داده‌ها حاضر می‌باشند، بعد از ۱۰ سال، به علت احتمال باروری صفر از داده‌ها خارج می‌شوند.

سپس با استفاده از فرمول زیر، به محاسبه احتمال بدنیا آوردن فرزند دوم (P_2) کنترل نشده و کنترل شده پرداخته شده است.

احتمال بدنیا آوردن فرزند دوم کنترل نشده به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_2 = 1 - \exp\{-\exp[b_0 + ((b_1 \text{ year}) + (b_2 \text{ year}^2) + (b_3 X_1) + (b_4 X_1 \times \text{year}) + (b_5 X_1 \times \text{year}^2))\}$$

و احتمال بدنیا آوردن فرزند دوم کنترل شده به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_2 = 1 - \exp\{-\exp[b_0 + ((b_1 \text{ year}) + (b_2 \text{ year}^2) + (b_3 X_1) + (b_4 X_1 \times \text{year}) + (b_5 X_1 \times \text{year}^2) + (b_6 X_2 + b_7 X_3 + b_8 X_4 + b_9 X_5 + b_{10} X_6 + b_{11} X_7 + b_{12} X_8 + b_{13} X_9 + b_{14} X_{10} + b_{15} X_{11} + b_{16} X_{12}))\}$$

بعد از برآورد ارزشهای P_{it} ، می‌توان جداول عمر باروری را به مانند انتقال از ازدواج به فرزند اول ساخت (عینی‌زیناب، ۲۰۱۰).

با استفاده از جداول عمر ساخته شده برای هر یک از این دوره‌های انتقالی نسبت افزایش در تعداد فرزندان در هر دوره محاسبه می‌گردد. PPR دوره انتقالی B-M، نسبت زنانی که در پایان جدول عمر (سن ۴۰ سالگی) ازدواج کرده‌اند را نشان می‌دهد. این شاخص به صورت P_M نشان داده می‌شود (در این پژوهش به دلیل اینکه تمامی زنان حداقل یکبار ازدواج کرده‌اند، این شاخص مساوی با یک است) و یا PPR دوره انتقالی M-1 نسبت زنان ازدواج کرده که تا سن ۴۰ سالگی (و حداکثر تا ۱۰ سال بعد از ازدواج) تولد اولین فرزند خود را تجربه کرده‌اند را نشان می‌دهد (P_1). PPR دوره انتقالی ۱-۲ نسبت زنان دارای یک فرزند که تولد دومین فرزند خود را تجربه می‌کنند، نشان می‌دهد (P_2).

محاسبه میزان باروری کل با استفاده از نسبت های پیشرفت موالید به صورت زیر می‌باشد

(ردرفرد و همکاران، ۲۰۱۰):

$$TFR_{PPR} = P_M + R_M P_1 + R_M P_1 P_2 + R_M P_1 P_2 P_3 + R_M P_1 P_2 P_3 P_4 + R_M P_1 P_2 P_3 P_4 P_5 + \dots$$

اما در این پژوهش میزان باروری جزئی با استفاده از فرمول زیر محاسبه شده است:

$$TFR_{PPR} = R_M + R_M P_1 + R_M P_1 P_2$$

متغیرهای مستقل به کار رفته در تحلیل، شامل دو شاخص برابری و عدالت در انجام کارهای خانه‌داری برای هر دو رتبه موالید اول و دوم، و دو شاخص برابری و عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری که فقط برای رتبه موالید دوم ساخته شده است، می‌باشد که در ادامه به مفهوم سازی آنها پرداخته می‌شود.

شاخص‌های برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی: سؤالات برابری و عدالت جنسیتی، از پیمایش جنسیت و نسلها (GGS)^۱ گرفته شده است. پیمایش جنسیت و نسلها به منظور شناخت توسعه اجتماعی و جمعیتی طراحی شده و یکی از عواملی است که این توسعه را متأثر می‌سازد و پشتوانه نظری بسیار قوی دارد (ویکات^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). هر یک از شاخص‌ها با جمع متغیرهای مربوطه ساخته می‌شود. اندازه‌گیری تقسیم فعالیت‌ها از نابرابر (نمره ۰) تا برابر (نمره ۱) می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر نمره شاخص کسب شده توسط زن، بیشتر از ۲۵ درصد کل نمره باشد، تقسیم فعالیت‌ها برابر (متعادل، راضی) در نظر گرفته شده است.

برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری: سؤالات مربوط به برابری جنسیتی در کارهای منزل، با استفاده از چرخش واریماکس، تحلیل عاملی شد. نتایج نشان داد که متغیرهای مربوط به تهیه و پخت غذا، شستن ظروف، خرید مواد غذایی، جارو و تمیز کردن منزل، تعمیرات کوچک داخل منزل، امور مربوط به پرداخت هزینه‌های شارژ، قبوض و ...، تصمیم‌گیری در رابطه با خریدهای روزانه منزل، تصمیم‌گیری در رابطه با خریدهای بزرگ و یا گران قیمت و مدیریت دخل و خرج یا هزینه‌های منزل به شکل مناسبی بر روی یک عامل بار شد.

عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری: سؤالات مربوط به عدالت جنسیتی در کارهای منزل، تحلیل عاملی شد. سؤالات مربوط به رضایت زن از تقسیم کارهای تهیه و پخت غذا، شستن ظروف، خرید مواد غذایی، جارو و تمیز کردن منزل، تعمیرات کوچک داخل منزل، امور

1 Generations and Gender Survey

2 Vikat

مربوط به پرداخت هزینه های شارژ، قبوض و ... ، تصمیم‌گیری در رابطه با خریدهای روزانه منزل، تصمیم‌گیری در رابطه با خریدهای بزرگ و یا گران قیمت و مدیریت دخل و خرج یا هزینه‌های منزل به شکل مناسبی بر روی یک عامل بار شد. سپس از جمع نمره این متغیرها این شاخص ساخته شد. اگرچه راضی بودن از تقسیم کار، مساوی با درک پاسخگو از اینکه تقسیم کارها بر اساس عدالت و انصاف است، نیست، در اینجا رضایت، به عنوان یک متغیر نماینده^۱ (پراکسی)، برای عدالت جنسیتی در نظر گرفته شده است، با فرض اینکه پاسخگو از تقسیم کار رضایت نخواهد داشت، اگر او تقسیم وظایف را غیرمنصفانه و ناعادلانه بداند.

برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری: سؤالات مربوط به برابری در وظایف بچه‌داری نیز، تحلیل عاملی شد. نتایج نشان داد که سؤالات مربوط به مشارکت مردان در وظایف بچه‌داری، مثل، لباس پوشاندن و مرتب کردن بچه‌ها، بردن بچه‌ها به رختخواب یا کنترل اینکه بچه‌ها به موقع بخوابند، ماندن در خانه هنگامی که فرزند بیمار باشد، بازی با بچه‌ها و مشارکت در فعالیتهای اوقات فراغت، بردن بچه‌ها به مدرسه، مهدکودک، و یا نزد پرستار بچه و محل گذران اوقات فراغت به شکل مناسبی بر روی یک عامل بار شد.

عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری: سؤالات مربوط به عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری، تحلیل عاملی شد. نتایج نشان داد که سؤالات مربوط به مشارکت مردان در وظایف بچه‌داری، مثل، لباس پوشاندن و مرتب کردن بچه‌ها، بردن بچه‌ها به رختخواب یا کنترل اینکه بچه‌ها به موقع بخوابند، ماندن در خانه هنگامی که فرزند بیمار باشد، بازی با بچه‌ها و مشارکت در فعالیتهای اوقات فراغت، بردن بچه‌ها به مدرسه، مهدکودک، و یا نزد پرستار بچه و محل گذران اوقات فراغت به شکل مناسبی بر روی یک عامل بار شد.

در این پژوهش، متغیرهای کنترل به کار رفته در تحلیل‌های آماری، همگی بر اساس تغییر شغل در طول زمان، نیز تغییر می‌کنند و عبارتند از مقدار ساعت کاری زن؛ ساعات کار بر اساس تعداد ساعت کار زن شاغل در یک هفته سنجیده می‌شود و سپس به صورت تمام وقت و پاره وقت نیز دسته‌بندی می‌گردد. به این صورت که، اگر کمتر از ۳۰ ساعت در هفته کار کرده باشد، به عنوان پاره وقت و کد ۱ گرفته و اگر ۳۰ ساعت و بیشتر کار کرده باشد، بعنوان تمام وقت

1 Proxy Variable

تقسیم می‌شود و کد ۰ می‌گیرد. جایگاه شغلی زن؛ به معنای جایگاه زن شاغل در سلسله مراتب شغلی است، طبقات مقامات عالی رتبه و مدیران و متخصصان در گروه جایگاه شغلی بالا قرار گرفته و کد ۰ گرفته، تکنسین‌ها و دستیاران، کارمندان امور اداری و دفتری، کارکنان خدماتی و فروشندگی فروشگاه و بازار و کارگران در گروه جایگاه شغلی پایین قرار گرفته و کد ۱ گرفته‌اند. نوع قرارداد شغلی زن؛ بر حسب اینکه زن شاغل در طبقات روزمزد و قرارداد کمتر از شش ماه، قرارداد شش ماه تا یکسال، قرارداد یکسال و بیشتر، بدون قرارداد، کارفرما، کارکن مستقل باشد در گروه رابطه کاری غیررسمی قرار گرفته و کد ۰ گرفته، شاغلان رسمی، پیمانی در گروه رابطه کاری رسمی قرار گرفته و کد ۱ گرفته‌اند. وضعیت شغلی زن؛ بر حسب اینکه زن شاغل در طبقه کارفرمایان، کارکنان مستقل، بخش خصوصی، بخش تعاونی باشند در گروه بخش خصوصی قرار گرفته و کد ۱ گرفته و بخش دولتی کد ۰ گرفته است. مقدار دستمزد/حقوق زن؛ جبران خدمت و پرداختی است که عمدتاً به صورت مالی و در ازای کار کارگران و در این مطالعه زنان کارگر پرداخت می‌شود. جبران خدمت به شکل دستمزد به کارگران و به صورت حقوق و مزایای کارمندان پرداخت می‌شود. گویه‌های این سؤال شامل موارد زیر بوده است: ۱-۳۵۰ هزار تومان و کمتر ۲-بین ۳۵۰ تا ۶۰۰ هزار تومان ۳-بین ۶۰۰ تا یک میلیون و دویست هزار تومان ۴-یک میلیون و دویست هزار تا دو میلیون تومان ۵-دو تا سه میلیون تومان ۶-سه تا چهار میلیون ۷-چهار میلیون و بیشتر. سپس به کدگذاری مجدد این متغیر پرداخته شد و کدهای ۱، ۲ و ۳ با هم ترکیب شد و کد ۱ گرفته و در گروه با درآمد پایین قرار گرفتند، کدهای ۴، ۵، ۶ و ۷ با هم ترکیب شد و کد ۲ گرفته و در گروه با درآمد بالا قرار گرفتند. تحصیلات؛ منظور از تحصیلات و دوره تحصیلی، دوره‌ی آموزشی رسمی است که منجر به اخذ گواهینامه تحصیلی می‌شود. برای کدگذاری مجدد، بی‌سوادان صفر، افراد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و فوق‌دیپلم کد ۱ گرفته و در گروه زنان با سطح تحصیلات پایین قرار گرفتند. زنانی که دارای مدرک لیسانس، فوق لیسانس و دکترای تخصصی و فوق دکترا، بودند کد ۲ گرفته و در گروه زنان دارای سطح تحصیلات بالا طبقه‌بندی شدند. به دلیل اینکه زنان تحصیلات خود را در طول زمان بهبود می‌دهند، بنابراین تحصیلات زنان با توجه به تحصیلات در زمان تولد فرزند اصلاح شده است. مقدار دستمزد/حقوق شوهر، طبقه‌بندی آن به مانند متغیر مقدار دستمزد/حقوق زن می‌باشد. در ضمن بر اساس تغییر شغل در

طول زمان این متغیر نیز تغییر کرده است. متغیر بومی بودن؛ اگر زن شاغل متولد اصفهان و یا ده سال و بیشتر ساکن اصفهان باشد به عنوان بومی در نظر گرفته شده است و کد ۱ گرفته و اگر کمتر از ده سال ساکن اصفهان باشد، به عنوان غیربومی در نظر گرفته شده است و کد ۲ گرفته است. این متغیر با توجه به سال سکونت در اصفهان برای هر زن متغیر می‌باشد.

متغیرهای تعدیل‌گر^۱ عبارتند از سن زن؛ این متغیر از طریق پرسش در چه سال و ماهی به دنیا آمدید؟، سنجیده شده است. تعامل سن زن با متغیر مستقل که از ضرب سن با هر یک از متغیرهای مستقل به دست می‌آید؛ تعامل مربع سن زن با متغیر مستقل که از ضرب سن به توان دو با هر یک از متغیرهای مستقل به دست می‌آید.

یافته‌ها

چنانچه در جداول و نمودارهای زیر مشاهده می‌شود، برآوردهای جداگانه‌ای بر حسب رتبه موالید ارائه داده شده است. رتبه موالید اول، انتقال از ازدواج به فرزند اول می‌باشد. رتبه موالید دوم، انتقال از موالید اول به موالید دوم می‌باشد. برای شاخص‌های برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، هم رتبه موالید اول و هم رتبه موالید دوم محاسبه شده است، اما برای شاخص‌های برابری و عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری، به دلیل اینکه زنان حداقل باید دارای یک فرزند باشند، فقط رتبه موالید دوم محاسبه شده است.

جدول ۱. نسبت پیشرفت موالید اول و دوم، میانگین فاصله ازدواج تا موالید اول و موالید اول تا موالید دوم، کنترل نشده و کنترل شده، بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله

مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

رتبه موالید دوم		رتبه موالید اول		متعادل	برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری
کنترل شده	کنترل نشده	کنترل شده	کنترل نشده		
۰/۳۵	۰/۴۳	۰/۸۰	۰/۹۰	PPR	
۵/۱۰	۵/۰۹	۵/۲۶	۴/۶۰	میانگین	
				نامتعادل	
۰/۲۳	۰/۳۱	۰/۶۴	۰/۸۲	PPR	
۵/۱۸	۵/۵۹	۴/۹۸	۴/۴۰	میانگین	

۱ متغیر تعدیل‌گر، متغیری است که جهت و شدت ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ادامه جدول ۱. نسبت پیشرفت موالید اول و دوم، میانگین فاصله ازدواج تا موالید اول و موالید اول تا موالید دوم، کنترل نشده و کنترل شده، بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

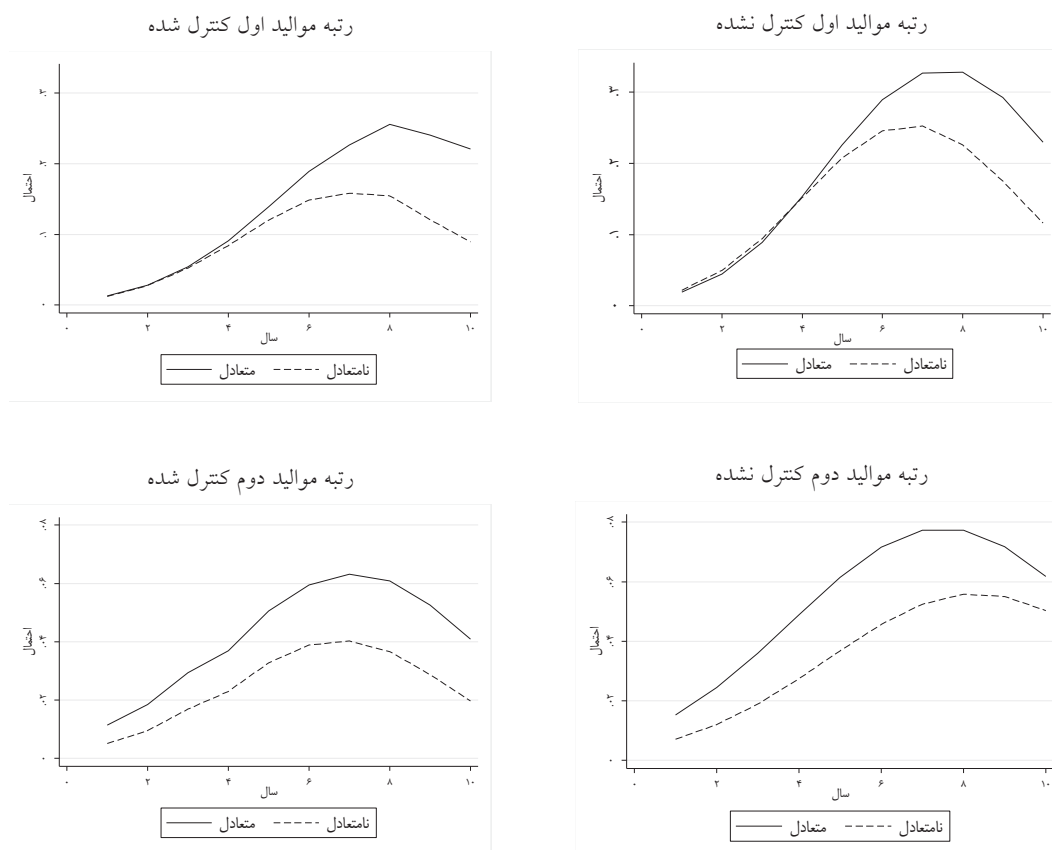
رتبه موالید دوم		رتبه موالید اول		راضی	عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری
کنترل شده	کنترل نشده	کنترل شده	کنترل نشده		
۰/۳۹	۰/۳۰	۰/۷۶	۰/۸۹	PPR	
۵/۶۶	۵/۴۹	۵/۲۰	۴/۶۲	میانگین	
				ناراضی	
۰/۳۷	۰/۲۹	۰/۷۴	۰/۸۴	PPR	
۴/۰۳	۴/۰۰	۵/۱۲	۴/۲۷	میانگین	

همانگونه که در جدول و نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، نسبت پیشرفت موالید از ازدواج به فرزند اول، بر اساس برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۹۰ درصد و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۸۲ درصد است، به عبارت دیگر ۰/۰۸ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، نسبت به ۰/۸۰ درصد برای برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و ۰/۶۴ درصد برای برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری تغییر کرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نسبت پیشرفت از ازدواج به موالید اول برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۱۰ و برای زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۱۸ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۱۶ رسیده است. این اختلاف قابل توجه در نسبت پیشرفت از ازدواج به موالید اول، بین زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری، مؤید نقش مهم برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری در رسیدن به موالید اول است.

بررسی نسبت پیشرفت موالید اول به دوم، بر اساس برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل قبل از کنترل نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل

در کارهای خانه‌داری ۰/۴۳ درصد و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۳۱ درصد است به عبارت دیگر ۰/۱۲ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، نسبت به ۰/۳۵ درصد برای برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و ۰/۲۳ درصد برای برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری تغییر کرده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هر کدام از نسبت پیشرفت مولید اول به دوم، برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل و نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۰۸ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۱۳ رسیده است. این اختلاف قابل توجه در نسبت پیشرفت مولید اول به دوم بین زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری، مؤید نقش مهم برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری در رسیدن به مولید دوم است (جدول ۱ و نمودار ۱).

بررسی میانگین فاصله ازدواج تا مولید اول، بر اساس برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل قبل از کنترل نشان می‌دهد که این میانگین برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری ۴/۶۰ سال و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۴/۴۰ سال است به عبارت دیگر ۰/۲۰ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، میانگین به ۵/۲۶ سال برای شاغلان با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و ۴/۹۸ سال برای شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری تغییر کرد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین فاصله ازدواج تا مولید اول برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۶۷ افزایش و برای زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری ۰/۵۸ افزایش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۲۸ سال رسیده است. پس ملاحظه می‌شود زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری، در فاصله کوتاه‌تری به فرزند اول می‌رسند (جدول ۱ و نمودار ۱).

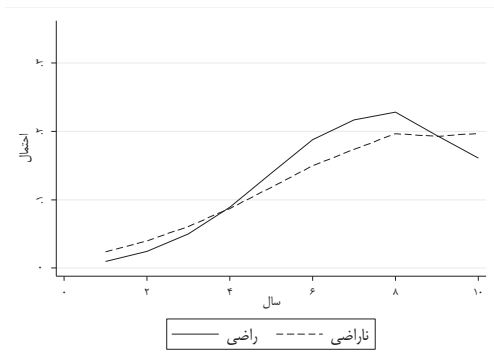


نمودار ۱. احتمال باروری کنترل نشده و کنترل شده بر حسب برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری، رتبه موالید و سال زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

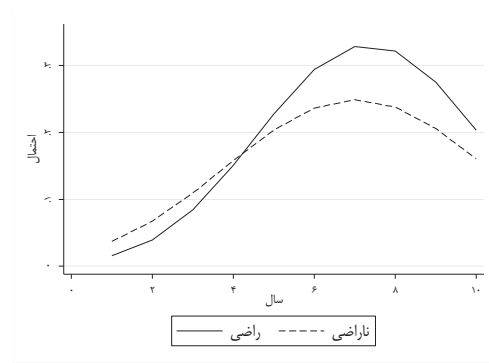
بررسی میانگین فاصله موالید اول تا موالید دوم، بر اساس برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل قبل از کنترل نشان می‌دهد که این میانگین، برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری، ۵/۰۹ سال و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری، ۵/۵۹ سال است، به عبارت دیگر ۰/۵۱ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، میانگین به ۵/۱۰ سال برای شاغلان با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری و ۵/۱۸ سال برای شاغلان با برابری

جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری، $0/01$ افزایش و برای زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای خانه‌داری، $0/41$ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به $0/08$ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای خانه‌داری، در فاصله کوتاهتری به فرزند دوم می‌رسند (جدول ۱ و نمودار ۱).

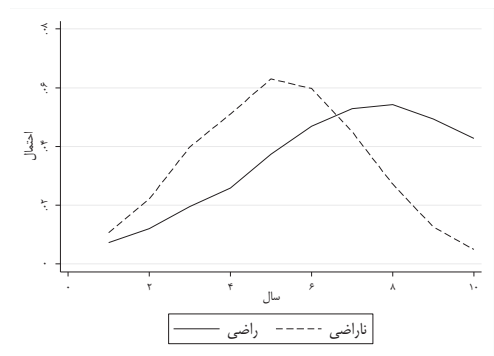
رتبه مولید اول کنترل شده



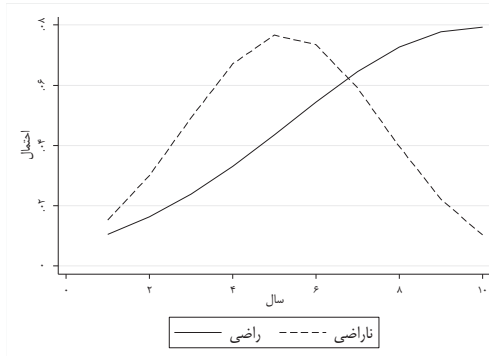
رتبه مولید اول کنترل نشده



رتبه مولید دوم کنترل شده



رتبه مولید دوم کنترل نشده



نمودار ۲. الگوی احتمال باروری کنترل نشده و کنترل شده، بر حسب عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، رتبه مولید و سال زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

همانگونه که در جدول ۱ و نمودار ۲ مشاهده می‌شود، بررسی نسبت پیشرفت مولید از ازدواج به فرزند اول بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۰/۸۹ درصد و شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی ۰/۸۴ درصد است به عبارت دیگر ۰/۰۵ اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، نسبت به ۰/۷۶ درصد برای راضی در عدالت جنسیتی و ۰/۷۴ درصد برای ناراضی در عدالت جنسیتی تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود نسبت پیشرفت از ازدواج به مولید اول برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۰/۱۳ و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی ۰/۱۰ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۲ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی، با اختلاف کمی، احتمال بالاتری در رسیدن به فرزند اول دارند.

بررسی نسبت پیشرفت مولید اول به دوم بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۰/۳۰ درصد و شاغلان با عدالت جنسیتی ناراضی در کارهای خانه‌داری ۰/۲۹ درصد است، به عبارت دیگر ۰/۰۱ اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی نسبت به ۰/۳۹ درصد برای راضی در عدالت جنسیتی و ۰/۳۷ درصد برای ناراضی در عدالت جنسیتی، تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، هر کدام از نسبت پیشرفت مولید اول به دوم برای زنان شاغل راضی ۰/۰۹ و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی ۰/۰۸ افزایش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۲ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی با اختلاف کمی، احتمال بالاتری در رسیدن به فرزند دوم دارند (جدول ۱ و نمودار ۲).

بررسی میانگین فاصله ازدواج تا مولید اول بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این میانگین برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۴/۶۲ سال و شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی ۴/۲۷ سال است، به عبارت دیگر، ۰/۳۵ اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، میانگین به ۵/۲۰ سال برای شاغلان راضی در عدالت جنسیتی و

۵/۱۲ سال برای شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، میانگین فاصله ازدواج تا مولید اول برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۰/۵۸ افزایش و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی، ۰/۸۵ افزایش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۸ سال رسیده است. پس ملاحظه می‌شود زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، با اختلاف کمی در فاصله کوتاهتری به فرزند اول می‌رسند (جدول ۱ و نمودار ۲).

بررسی میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این میانگین برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی، ۵/۴۹ سال و شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی، ۴/۰۰ سال است، به عبارت دیگر ۱/۴۹ سال اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، میانگین به ۵/۶۶ سال برای شاغلان راضی در عدالت جنسیتی و ۴/۰۳ سال برای شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی، تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی، ۰/۱۷ افزایش و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی، ۰/۰۳ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۱/۶۳ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود، زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، با اختلاف نسبتاً زیادی، در فاصله کوتاهتری به فرزند دوم می‌رسند (جدول ۱ و نمودار ۲).

همانگونه که در جدول ۲ و نمودار ۳ مشاهده می‌شود، بررسی نسبت پیشرفت مولید اول به دوم بر اساس برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای بچه‌داری، ۰/۳۹ درصد و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری ۰/۳۴ درصد است، به عبارت دیگر ۰/۰۵ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، نسبت به ۰/۳۱ درصد برای برابری جنسیتی متعادل در کارهای بچه‌داری و ۰/۲۵ درصد برای برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، نسبت پیشرفت مولید اول به دوم برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل، ۰/۰۸ و برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری، ۰/۰۹ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۵

رسیده است. این اختلاف قابل توجه در نسبت پیشرفت موالید اول به دوم بین زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای بچه‌داری و برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری، مؤید نقش مهم برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری، در رسیدن به موالید دوم است.

جدول ۲. نسبت پیشرفت موالید دوم، میانگین فاصله موالید اول تا موالید دوم کنترل نشده و کنترل شده، بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله مورد بررسی شهر

اصفهان، ۱۳۹۳

رتبه موالید دوم			
کنترل شده	کنترل نشده		
		متعادل	برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری
۰/۳۱	۰/۳۹	PPR	
۵/۰۶	۵/۲۶	میانگین	
		نامتعادل	
۰/۲۵	۰/۳۴	PPR	
۵/۰۶	۴/۹۰	میانگین	
		راضی	عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری
۰/۳۰	۰/۳۸	PPR	
۵/۱۳	۵/۳۲	میانگین	
		ناراضی	
۰/۳۰	۰/۴۰	PPR	
۴/۳۰	۴/۰۳	میانگین	

بررسی میانگین فاصله موالید اول تا موالید دوم بر اساس برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این میانگین برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای بچه‌داری، ۵/۲۶ سال و شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری، ۴/۹۰ سال است، به عبارت دیگر ۰/۳۶ اختلاف بین این دو برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی میانگین به ۵/۰۶ سال برای شاغلان با برابری

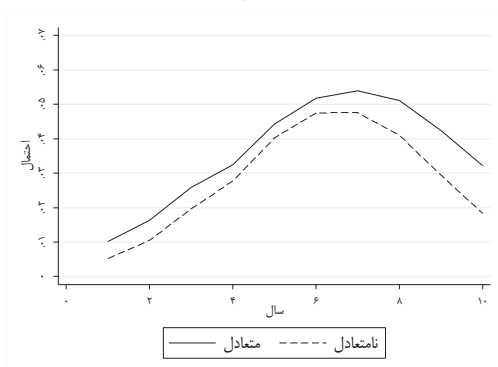
جنسیتی متعادل در کارهای بچه داری و ۵/۰۶ سال برای شاغلان با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری، تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم برای زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل در کارهای بچه‌داری، ۰/۱۹ کاهش و برای زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل در کارهای بچه‌داری، ۰/۱۶ افزایش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۰ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود، زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل و نامتعادل در کارهای بچه‌داری، در یک زمان به فرزند دوم می‌رسند (جدول ۲ و نمودار ۳).

بررسی نسبت پیشرفت مولید اول به دوم بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری زنان شاغل، قبل از کنترل، نشان می‌دهد که این نسبت برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی ۰/۳۸ درصد و شاغلان با عدالت جنسیتی ناراضی در کارهای بچه‌داری ۰/۴۰ درصد است، به عبارت دیگر، ۰/۰۲ اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، نسبت به ۰/۳۰ درصد برای راضی در عدالت جنسیتی و ۰/۳۰ درصد برای ناراضی در عدالت جنسیتی تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، هر کدام از نسبت پیشرفت مولید اول به دوم برای زنان شاغل راضی ۰/۰۸ و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی ۰/۱۰ کاهش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۰۰ رسیده است. پس ملاحظه می‌شود، زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی و ناراضی در عدالت جنسیتی، احتمال یکسانی در رسیدن به فرزند دوم دارند (جدول ۲ و نمودار ۳).

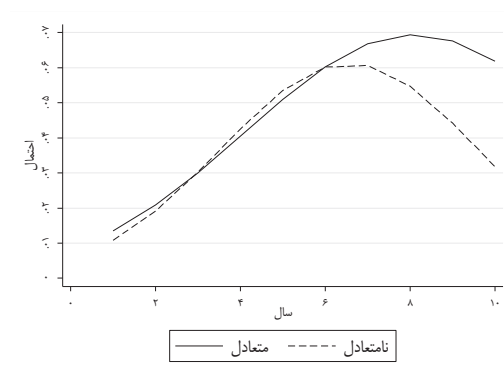
بررسی میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم بر اساس عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری زنان شاغل قبل از کنترل نشان می‌دهد که این میانگین برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی، ۵/۳۲ سال و شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی، ۴/۰۳ سال است به عبارت دیگر ۱/۲۸ سال اختلاف بین این دو عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری وجود دارد. اما بعد از کنترل متغیرهای اقتصادی اجتماعی، میانگین به ۵/۱۳ سال برای شاغلان راضی در عدالت جنسیتی و ۴/۳۰ سال برای شاغلان ناراضی در عدالت جنسیتی، تغییر کرد. همانگونه که مشاهده می‌شود، میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم برای زنان شاغل راضی در عدالت جنسیتی، ۰/۱۸ کاهش و برای زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی، ۰/۲۷ افزایش پیدا کرده است و اختلاف به ۰/۸۳ رسیده است.

پس ملاحظه می‌شود، زنان شاغل ناراضی در عدالت جنسیتی کارهای بچه‌داری با اختلاف نسبتاً بالایی، در فاصله کوتاهتری به فرزند دوم می‌رسند (جدول ۲ و نمودار ۳).

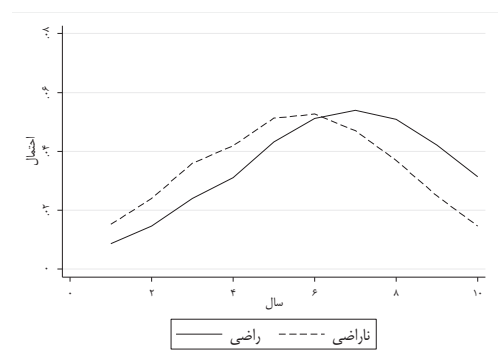
رتبه مولید دوم کنترل شده



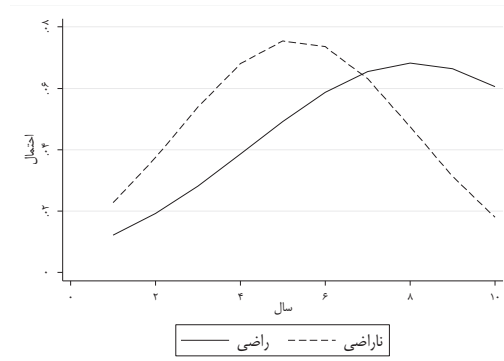
رتبه مولید دوم کنترل نشده



رتبه مولید دوم کنترل شده



رتبه مولید دوم کنترل نشده



نمودار ۳. الگوی احتمال باروری کنترل نشده و کنترل شده بر حسب برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری و عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری رتبه مولید دوم و سال زنان شاغل ۲۰-۴۰ ساله مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

نتایج میزان باروری جزئی در جدول ۳ نشان داده شده است. یافته‌ها نشان از تفاوت‌هایی بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری طی دوره مورد مطالعه دارد. و مشاهده

می‌شود، میزان باروری جزئی برای هر زن شاغل با برابری جنسیتی متعادل قبل از کنترل ۱/۲۹ فرزند و بعد از کنترل ۱/۰۹ فرزند است و برای هر زن شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل ۰/۸۴ فرزند قبل از کنترل و ۱/۰۰ فرزند بعد از کنترل می‌باشد. پس ملاحظه می‌شود، میزان باروری جزئی زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل، نسبت به زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل، قبل از کنترل ۰/۴۵ و بعد از کنترل ۰/۰۸ بیشتر است، به عبارت دیگر، زنان شاغل با برابری جنسیتی متعادل نسبت به زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل تعداد فرزند بیشتری بدنی می‌آورند.

جدول ۳. میزان باروری جزئی کنترل شده و کنترل نشده، بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای

خانه‌داری زنان شاغل ۴۰-۲۰ ساله مورد بررسی شهر اصفهان، ۱۳۹۳

میزان باروری تجمعی		متغیرهای مستقل	
کنترل شده	کنترل نشده		
۱/۰۹	۱/۲۹	متعادل	برابری جنسیتی در کارهای خانه‌داری
۱/۰۰	۰/۸۴	نامتعادل	
۱/۰۶	۱/۱۶	راضی	عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری
۱/۰۱	۱/۰۹	ناراضی	

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف پاسخ به این پرسش نگاشته شد که، میزان باروری زنان اصفهان تا چه اندازه تحت تأثیر برابری و عدالت جنسیتی آنها قرار می‌گیرد؟ بر این اساس اثر برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری در رسیدن به فرزند اول و دوم و در نهایت روی باروری جزئی و همچنین اثر برابری جنسیتی و عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری، در رسیدن به فرزند دوم بررسی شد.

بررسی نسبت پیشرفت موالید اول و دوم بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، نشان داد شاغلان با تقسیم متعادل در کارهای خانه‌داری و راضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، با احتمال بالاتری به موالید اول و دوم می‌رسند. همچنین بررسی میانگین فاصله ازدواج تا موالید اول بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، نشان داد

شاغلان با تقسیم نامتعادل در کارهای خانه‌داری و ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، در فاصله کوتاهتری به مولید اول می‌رسند. بررسی میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری نیز، نشان داد، شاغلان با تقسیم متعادل در کارهای خانه‌داری و ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، در فاصله کوتاهتری به مولید دوم می‌رسند. در کل میزان باروری جزئی بر حسب برابری و عدالت جنسیتی در کارهای خانه‌داری، نشان داد که شاغلان با برابری جنسیتی متعادل، نسبت به زنان شاغل با برابری جنسیتی نامتعادل و زنان شاغل راضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، نسبت به زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای خانه‌داری، فرزند بیشتری به دنیا می‌آورند.

بررسی نسبت پیشرفت مولید دوم بر حسب برابری جنسیتی در کارهای بچه‌داری، نشان داد که زنان شاغل متعادل از زنان شاغل نامتعادل در تقسیم کارهای بچه‌داری، با احتمال بالاتری به فرزند دوم می‌رسند. بررسی میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم بر حسب برابری در کارهای بچه‌داری، نشان داد، زنان شاغل نامتعادل و متعادل در تقسیم کارهای بچه‌داری، در یک زمان به مولید دوم می‌رسند.

بررسی نسبت پیشرفت مولید دوم بر حسب عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری، نشان داد که هم زنان شاغل راضی و هم زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای بچه‌داری، با احتمال یکسانی به فرزند دوم می‌رسند. بررسی میانگین فاصله مولید اول تا مولید دوم بر حسب عدالت جنسیتی در کارهای بچه‌داری، نشان داد، زنان شاغل ناراضی از تقسیم کارهای بچه‌داری، در فاصله کوتاهتری به مولید دوم می‌رسند.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که برابری جنسیتی، اثر مثبت‌تری بر روی باروری، نسبت به عدالت جنسیتی داشته است، که این امر، می‌تواند متأثر از فرهنگ ایرانی‌ها باشد، که زنان وظایف مربوط به خانه‌داری را وظیفه ذاتی خود می‌دانند و در برخی موارد، تصور می‌کنند چاره‌ای جز رضایت ندارند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ابعاد برابری جنسیتی، در تبیین رفتار باروری در جامعه ایران مؤثر است، ولی این ابعاد، به علت تأثیر پذیرفتن از سایر متغیرهای زمینه‌ای که در

این پژوهش، به عنوان متغیرهای کنترل در نظر گرفته شده‌اند، تأثیر به نسبت کمی در تبیین تغییرات باروری دارد. اما در شرایط باروری پایین، این مقادیر کم هم می‌تواند خیلی مهم باشد. زنان مادامی که توسط نقش‌های خانوادگی‌شان محدود نشده‌اند قادرند در بازارهای کار رقابت کنند. زنانی که به مشارکت در نهادهای فردمحور ارزش می‌گذارند، چنانچه نقش خانوادگی بالقوه‌ی آینده ناهماهنگ با انتظارات آن‌ها به عنوان یک فرد باشد، با مشکل مواجه خواهند شد. در چنین شرایطی برخی از زنان تصمیم می‌گیرند از نقش خانوادگی‌شان پرهیز کنند تا نقش فردی‌شان، یعنی آنها، یا بچه‌ای نخواهند داشت و یا شمار فرزندان آن‌ها کم‌تر از آن چیزی خواهد بود که می‌خواهند داشته باشند. امروزه بسیاری از زنان جوان تحصیل کرده هستند و انتظار می‌رود که نقشی غیر از نقش خانوادگی‌شان داشته باشند.

بنابراین، میزان‌های باروری خیلی پایین استمرار خواهد یافت مگر این‌که برابری جنسیتی در نهادهای خانواده محور بسیار سریع‌تر از آنچه که در گذشته بوده است افزایش بیابد. پس، در زمینه‌ای از برابری جنسیتی بالا در نهادهای فرد محور، برابری جنسیتی بالاتر در نهادهای اجتماعی خانواده محور به افزایش باروری منجر خواهد شد. در مقابل، همان‌طور که این‌جا استدلال شد، در زمینه‌ای از برابری جنسیتی پایین در نهادهای فردمحور، برابری جنسیتی بالاتر در نهادهای خانواده محور به باروری پایین‌تر منجر خواهد شد.

در نهایت نیز، به منظور افزایش باروری زنان شاغل، ترکیبی از تغییر در حیطه خصوصی و عمومی موردنیاز است. در حیطه خصوصی، نقش‌های جنسیتی باید به نحوی تغییر نمایند، که مردان نیز در کارهای خانه مشارکت فعال داشته باشند و در حیطه عمومی نیز، سیاست‌های جدید، بایستی به گونه‌ای طرح‌ریزی شوند، که از خانواده‌هایی که در آن هم مرد و هم زن شاغل می‌باشند، حمایت شود، بدین معنی که سیاست‌های جدید، به نحوی تدوین گردند که کاملاً حامی و طرفدار خانواده باشند.

بدین ترتیب، نتایج اشاره به این دارند که، برابری در اشتغال زنان، نه تنها درجه برابری درون خانواده را افزایش می‌دهد، بلکه اثرات مثبت بر روی باروری دارد. برابری جنسیتی درون خانواده، کمک می‌کند تا رابطه منفی که بطور تاریخی بین اشتغال زنان و باروری است، جبران شود.

منابع

- افشاری، زهرا (۱۳۹۴). "برابری جنسیتی و باروری در ایران"، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۲، صص: ۲۴۵-۲۶۲.
- حسینی، حاتم و آرش طاووسی (۱۳۹۳). "برابری جنسیتی خانواده محور و تمایلات فرزندآوری در زنان شاغل"، مقاله ارائه شده در دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، سالن همایش‌های دانشگاه تهران، ۲۵ دی ماه ۱۳۹۳.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱). "توسعه و چالش‌های زنان ایران"، تهران، نشر قطره.
- عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۱). "تحولات و سیاست‌های اخیر جمعیتی در ایران: ضرورت تدوین سند جامع جمعیت"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۹۵-۱۱۷.
- قدرتی، حسین، باستانی داریوش، اکرم قدرتی و سید احمد کلانی (۱۳۹۲). "بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان، مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۰ تا ۲۰ ساله شهر سبزوار"، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۷۵-۹۱.
- لانگه، سارا (۱۳۷۲). "معیارهایی برای تواناسازی زنان"، تهران، روشنگران.
- میرزایی، محمد، مجید کوششی و محمدباقر ناصری (۱۳۷۵). برآورد و تحلیل شاخص‌های حیاتی جمعیتی کشور در سرشماریهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰، تهران، *موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، بخش تحقیقات جمعیت‌شناسی.
- Abbasi-Shavazi, M.J and P, McDonald (2006). The fertility decline in the Islamic Republic of Iran: 1972-2000, *Asian Population Studies*, 2(3): 217-237.
- Becker, G. S. (1960). *An Economic Analysis of Fertility*. In National Bureau of Economic Research (Ed.), *Demographic and economic change in developed countries* (pp. 209-240). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Becker, G. (1981). *A treatise on the family*, Harvard University Press. Cambridge.
- Cleland, J., and Wilson, C. (1987). Demand theories of the fertility transition: An iconoclastic view. *Population Studies*, 41(1), 5-30.
- Cooke, L. P. (2009). "Gender equity and fertility in Italy and Spain". *Journal of Social Policy*, 38(01): 123-140.
- Eini-Zinab, H. (2010). "The effect of child mortality on fertility in India". PhD Dissertation in East-West Center, Honolulu, HI, USA.
- Goldscheider, F., Bernhardt, E., & Brandén, M. (2013). "Domestic gender equality and childbearing in Sweden". *Demographic Research*, 29: 1097-1126.
- Fiori, F., Rinesi, F., Pinnelli, A., and Prati, S. (2013). Economic insecurity and the fertility intentions of Italian women with one child. *Population Research and Policy Review*, 32(3), 373-413.

- Grogan, L. (2006). An economic examination of the post-transition fertility decline in Russia. *Post-Communist Economies*, 18(4), 363-397.
- Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2002). "Measuring women's empowerment as a variable in international development", Background paper prepared for the World Bank workshop on poverty and gender. Washington, D.C.: International Center for Research on Women.
- Mason, K. O., & Smith, H. L. (2000). "Husbands' versus wives' fertility goals and use of contraception: The influence of gender context in five Asian countries". *Demography*, 37(3): 299-311.
- McDonald, P. (1996). Demographic life transitions: An alternative theoretical paradigm. *Health Transition Review*, Supplement 6, 385-392.
- McDonald, P. (2000). "Gender equity in theories of fertility transition". *Population and Development Review*, 26(3): 427-439.
- Mills, M., Mencarini, L., Tanturri, M. L., & Begall, K. (2008). "Gender equity and fertility intentions in Italy and the Netherlands". *Demographic Research*, 18: 1-26.
- Myrskylä, M., Kohler, H. P., & Billari, F. (2011). "High development and fertility: fertility at older reproductive ages and gender equality explain the positive link". Working Paper of Max Planck Institute for Demographic Research, Rostock, Germany.
- Neyer, G. (2011). "Should governments in Europe be more aggressive in pushing for gender equality to raise fertility? The second" NO" 1". *Demographic Research*, 24(10), 225-250.
- Oláh, L. S. (2011). "Should governments in Europe be more aggressive in pushing for gender equality to raise fertility? The second" YES" 1". *Demographic Research*, 24(9), 217-224.
- Puur, A., Oláh, L. S., Tazi-Preve, M. I., & Dorbritz, J. (2010). "Men's childbearing desires and views of the male role in Europe at the dawn of the 21st century". *Demographic research*, 19(56), 1883-1912.
- Philipov, D. (2011). "Should governments in Europe be more aggressive in pushing for gender equality to raise fertility? The first 'No'". *Demographic Research*, 24(8), 201-216.
- Retherford, R. D., Eini-Zinab, H., Choe, M. K., Ogawa, N., & Matsukura, R. (2010). "Further Development of Methodology for Multivariate Analysis of the Total Fertility Rate and Its Components Based on Birth History Data". East-West Center Working Papers. Population and Health Series, (122), 1.
- Tazi-Preve, I., Bichlbauer, D., & Goujon, A. (2004). "Gender trouble and its impact on fertility intentions". *Yearbook of Population Research in Finland*, 40: 5-24.
- Torr, B. M., & Short, S. E. (2004). "Second births and the second shift: A research note on gender equity and fertility". *Population and development Review*, 30(1): 109-130.
- Toulemon, L. (2011). "Should governments in Europe be more aggressive in pushing for gender equality to raise fertility? The first" YES" 1". *Demographic Research*, 24(7): 179-200.
- Vikat, A., Speder, Z., Beets, G., Billari, F.C. and Buhler, C. (2008). "Generations and Gender Survey (GGS): Towards a better understanding of relationships and processes in the life course". *Demographic Research*, 17 (14): 389-440.
- Westoff, C. F., & Higgins, J. (2009). "Relationship between men's gender attitudes and fertility: Responseto Puur et al's 'Men's childbearing desires and views of the male role in Europe at the dawnofthe21st century". *Demographic Research*, 21(3): 65-74.